

## بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال و تمایل به کار زنان متأهل در شهر تهران با تأکید بر متغیرهای اقتصادی

قهرمان عبدلی\*  
ویدا ورهرامی☆

این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به کار همسران مردان شاغل در ادارات دولتی در شهر تهران می‌پردازد و اثر اشتغال مردان را روی تمایل به کار و نوع شغل همسرانشان بررسی می‌نماید. به منظور انجام این بررسی در سال ۱۳۸۸ نمونه‌ای به حجم ۵۰۰ نفر از جامعه مورد بررسی انتخاب و پرسشنامه تنظیم شده میان زنانی که شوهرانشان کارمندان ادارات دولتی در شهر تهران هستند توزیع و تکمیل گردید. سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها، به بررسی اثر عوامل مختلف بر اشتغال زنان تهرانی در مشاغل تمام وقت و نیمه وقت پرداخته شد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد استفاده از بیمه‌های درمانی یکی از عواملی است که بر تمایل به کار زنان مؤثر است. پس اگر زنی همسرش، تحت پوشش بیمه درمانی بوده و از درآمد خوبی نیز برخوردار باشد، تمایل کمتری به کار کردن دارد. متغیرهای دیگری مثل سن، تحصیلات زن و شوهرش، درآمد ماهانه شوهر و تعداد فرزندان آن‌ها بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام وقت و نیمه وقت مؤثر است که اثرگذاری این عوامل به خصوص بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام وقت بیشتر است.

واژگان کلیدی: بازار کار، اشتغال زنان، بیمه‌های درمانی، شغل تمام وقت، شغل نیمه وقت

g\_abdoli@yahoo.com

vida7892000@yahoo.com

\* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

☆ دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

## مقدمه

تقریباً در اغلب جوامع نیمی از جمعیت فعال جامعه را زنان تشکیل می‌دهند که مشارکت آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی را سرعت بخشد. در هر جامعه‌ای عوامل فرهنگی، اقتصادی، مشخصه‌های فردی و خانوادگی در تصمیم به اشتغال زنان نقش اساسی دارد. از دیدگاه اقتصادی هرگاه هزینه فرصت کار در منزل بیشتر از بیرون باشد فرد تمایل کمتری به کار در منزل خواهد داشت مگر اینکه جبران این هزینه توسط شوهر یا نهاد خانواده صورت پذیرد. عواملی مثل تعداد فرزندان، سن زن، تحصیلات زن و همسرش، درآمد ماهانه شوهر و بیمه جز عوامل مهمی هستند که بر هزینه فرصت و به تبع آن بر تصمیم به کار زنان در بیرون از منزل مؤثر می‌باشند. کار کردن یا نکردن یک زن حاصل برآیند متغیرهای مذکور می‌باشد که برخی از آن‌ها روی هزینه فرصت اثر مثبت و برخی اثر منفی دارند. بنابراین مطالعه چگونگی اثرگذاری متغیرهای فوق بر اشتغال زنان در سطح خرد اهمیت زیادی دارد. هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به اشتغال زنان متأهل تهرانی با رویکرد مذکور می‌باشد. برای بررسی این موضوع، مقاله از بخش‌های زیر تشکیل شده است.

پس از مقدمه، در بخش بعدی به بررسی پیشینه و مبانی نظری تحقیق پرداخته خواهد شد و مدل پژوهش ارائه می‌گردد سپس به بیان داده‌ها و نتایج تجربی پرداخته می‌شود و در انتها خلاصه و نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

## پیشینه تحقیق و مبانی نظری

### پیشینه تحقیق

نظر به اهمیت حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مطالعات گسترده نظری و تجربی پیرامون عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در ایران و جهان در سال‌های اخیر صورت گرفته است که در این قسمت به معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

بوش مولر و والتا<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، السن<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، ولینگتن و کاب کلارک<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، اسچن و ویستنس<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) مطالعاتی در مورد اشتغال زنان و عوامل مؤثر بر آن انجام دادند. بوش مولر و والتا نشان دادند که یک زن با توجه به نوع کار و بیمه درمانی همسرش تصمیم به کار بیرون از منزل می‌گیرد به طوری که اگر همسرش تمام‌وقت کار کند انگیزه کمتری برای کار بیرون از منزل

1. Buchmueller and Valletta (1998)  
3. Wellington and Cobb - Clark (2000)

2. Olson (1998)  
4. Schone and Vistnes (2001)

دارد. کری و مادریان<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) نشان دادند که زن و شوهر به طور متقابل برای عرضه کار خود تصمیم می‌گیرند. اسچن و ویستنس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) نشان دادند که بیمه بودن افراد متأثر از ساعات کار و نوع شغل آن‌ها می‌باشد. از طرفی نشان دادن که یک زن معمولاً برای اینکه شغل خود و ساعات کارش را انتخاب کند (اینکه به صورت تمام وقت یا نیمه وقت کار کند) به شغل همسرش نگاه می‌کند. بنابراین انتخاب شغل و ساعت کاری یک زن متأثر از شغل شوهرش خواهد بود. مار<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) و پنکول<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) نشان دادند که هرچه مهارت یک کارگر بیشتر باشد، درخواست مزد بیشتری داشته و تمایل دارد از جانب کارفرمایش بیمه شود، از طرفی تمایل دارد با زنی ازدواج کند که او نیز دستمزد بالایی داشته باشد. آن‌ها نشان دادند که شغل مرد نیز می‌تواند متأثر از شغل همسرش باشد و یک رابطه متقابل بین اشتغال و نوع شغل زن و مرد در یک زندگی زناشویی وجود دارد.

هازان و موز<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) نشان دادند که تمایل به کار زنان کاملاً متأثر از نوع شغل شوهرشان است. ایوانس و کلی<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) مشارکت زنان در بازار کار را در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که بین تحصیلات زنان و تمایل به کار آنان رابطه مثبت وجود دارد و نوع تربیت خانوادگی نیز اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر تمایل به کار زنان خواهد داشت. لی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) در کره مطالعه‌ای را در مورد اشتغال زنان جوان متأهل انجام دادند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که زنان متأهل شهری بیشتر از روستاییان شاغل هستند. کن پیرانی و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تجربی برای سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ نشان دادند که شوهر یک زن در اشتغال همسرش نقش اساسی دارد به طوری که با تشویق وی به کار کردن و با فراهم آوردن شرایط مساعد، زمینه را برای اشتغال وی فراهم می‌آورد.

صادقی و عمادزاده (۱۳۸۳) برای شناخت عوامل مؤثر بر اشتغال زنان و تعیین نقش هر یک از متغیرها در جذب زنان تحصیل کرده به بازار کار، از یک الگوی اقتصادسنجی استفاده کردند. متغیرهای سهم زنان در نیروی کار شاغل، میزان مولید، درصد دختران ثبت نام کرده در مدارس آموزش متوسطه از کل ثبت نام‌ها، تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم زنان شاغل دارای تحصیلات عالی از نیروی کار زنان و نسبت به سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی بررسی

- |                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| 1. Currie and Madrian (1999) | 2. Schone and Vistnes (2001)   |
| 3. Mare (1991)               | 4. Pencavel (1998)             |
| 5. Hazan and Maoz (2002)     | 6. Evans and Kelley (2008)     |
| 7. Lee, et al (2008)         | 8. Coen - Pirani, et al (2009) |

شده‌اند. یافته‌های حاصل از برآورد الگو در دوره ۸۰-۱۳۴۵ با استفاده از روش OLS نشان می‌دهد که افزایش تحصیلات عالی زنان احتمال یافتن شغل در بازار کار را برای آنان بالا می‌برد. همچنین افزایش تولید ناخالص داخلی و حجم سرمایه‌گذاری، سهم اشتغال زنان را در بازار کار افزایش می‌دهد. کاظمی‌پور (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که مشارکت زنان در نیروی کار طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ در حدود ۱۱ درصد بوده و این رقم در سال ۱۳۸۴ به ۱۶/۵ درصد رسیده است. همچنین وی تحولات وضعیت اشتغال و بیکاری جمعیت فعال و اشتغال زنان را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. هرندی و جمشیدی (۱۳۸۷) در مقایسه بین نقاط شهری و روستایی بیان می‌دارند که، هرچند جهت ارتباط متغیرهای توضیحی با احتمال اشتغال زنان یکسان است اما شدت و شکل این ارتباط (خطی یا غیرخطی بودن آن) در اغلب موارد کاملاً متفاوت است. همچنین این نتیجه به دست آمد که افزایش درآمد سالانه همسر و درآمدهای متفرقه خانوار، اثر منفی قابل توجهی بر احتمال اشتغال زنان متأهل دارد. این نتیجه نیز حاصل شد که با افزایش سطح تحصیلات، احتمال اشتغال به نحو معنی‌داری افزایش می‌یابد.

در اغلب مطالعات صورت‌گرفته، که در بالا به آن‌ها اشاره شد، از داده‌های کلان برای بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال استفاده شده است ولی در ایران مطالعه‌ای در سطح خرد یعنی مراجعه مستقیم به جامعه آماری صورت نگرفته است. لذا این مقاله درصدد است به مطالعه بررسی عوامل اقتصاد خردی در اشتغال زنان بپردازد.

### مبانی اقتصاد خرد اشتغال زنان

در مطالعات اقتصاد خرد، برای استخراج بروز و ظهور پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی، نقطه شروع ارائه تابع مطلوبیت مناسب به همراه قیود و محدودیت‌های مربوط به آن است و حداکثر شدن مطلوبیت همیشه با محدودیت‌هایی همراه است. در این مقاله نیز سعی می‌شود جهت تعیین عوامل مؤثر بر اشتغال و تمایل به کار زنان متأهل از یک الگوی نظری اقتصاد خرد که مبتنی بر تابع مطلوبیت به همراه چند قید است، استفاده گردد و از این طریق عوامل مؤثر استخراج و با داده‌های تجربی مورد آزمون قرار گیرد.

در یک زندگی زناشویی، زن (w) و مرد (h) از خرید کالاهای  $X_w$  (کالایی که زن می‌خرد) و  $X_h$  (کالایی که مرد می‌خرد) و فراغت ( $I_w, I_h$ )، مطلوبیت کسب می‌کنند. بنابراین آن‌ها به دنبال این هستند که حداکثر مطلوبیت را با توجه به محدودیت زمانی که دارند به دست بیاورند.

$$\text{Max } U(X_h, X_w, I_w, I_h) \quad (1)$$

$$\text{S.t: } T = L_i + I_i, i = h, w;$$

$$P(X_w + X_h) + W_h I_h + W_w I_w = (W_w + W_h) L + (Y_w + Y_h) \quad (2)$$

در روابط (۱) و (۲)، دستمزد زن ( $W_w$ )، دستمزد مرد ( $W_h$ )، مجموع ساعات فراغت و کار ( $T$ )، ساعات فراغت زن ( $I_w$ )، ساعات فراغت مرد ( $I_h$ )، کل ساعات کار زن و مرد ( $L$ )، سایر درآمدهای زن ( $Y_w$ )، سایر درآمدهای مرد ( $Y_h$ ) و قیمت کالاهایی که زن و مرد می‌خرند ( $P$ ) می‌باشند. زن و شوهر مطلوبیت خود (رابطه (۱)) را با توجه به قیود محدودیت زمان و محدودیت درآمد (رابطه (۲)) حداکثر می‌کنند. مطابق با محدودیت دوم مجموع دستمزد زن و مرد و سایر درآمدهای آن‌ها ( $Y = Y_w + Y_h$ ) باید با قیمت کالاهایی که می‌خرند و هزینه فرصت فراغشان ( $W_h I_h + W_w I_w$ ) مساوی باشد.<sup>۱</sup>

مطابق با روابط (۳) و (۴) ساعتی که زن و همسرش صرف کار کردن می‌نمایند برابر است با تفاضل کل زمانی که در اختیار دارند و زمانی که صرف فراغت می‌کنند و زمان فراغت هر کدام از آن‌ها تابعی از دستمزد خود و همسرشان، قیمت کالاها و درآمد ناشی از فعالیت‌هایی غیر از کار (مثل نرخ بهره بانکی و یا سود سهام و غیره) می‌باشد که بیانگر هزینه فرصت فراغت و کار نکردن است.

$$L_w = T - I_w(W_w, W_h, P, Y) \quad (3)$$

$$L_h = T - I_h(W_h, W_w, P, Y) \quad (4)$$

زن و شوهر با تشکیل زندگی مشترک منافع را کسب می‌کنند، به طوری که می‌توانند درآمد مشترکی را مصرف کنند که قاعدتاً این درآمد از درآمد هر یک از آن‌ها در زمان تجرد بیشتر است، پس می‌توانند وقت بیشتری صرف فراغت کنند و از صرف وقتشان با یکدیگر منافع را کسب خواهند نمود. اما از سوی دیگر وقتی زن یا مرد مجرد بوده و به تنهایی زندگی می‌کردند از مخارج کمتری نیز برخوردار بودند در حالی که با تشکیل زندگی مشترک قاعدتاً مخارج زندگی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود، به خصوص زمانی که مردی همسرش شاغل نباشد نسبت به زمانی که مجرد بوده باید مخارج بیشتری را متحمل شود. بدین سان تشکیل زندگی مشترک علاوه بر اینکه منفعی را برای زن و مرد به همراه دارد، تا حدودی از منافع آن‌ها می‌کاهد. لذا تابع مجموع مطلوبیت زن و مرد به صورت رابطه (۵) است.

(۵)

$$N = [(U_w(X_w, L_w, L_h) - V_w(P, W_w, Y_w, E_w))] [(U_h(X_h, L_w, L_h) - V_h(P, W_h, Y_h, E_h))] \quad (5)$$

در رابطه (۵)، متغیرهای  $E_w$  و  $E_h$  مخارج زن و مرد،  $U_w$  و  $V_w$  به ترتیب میزان افزایش و کاهش

1. McElroy & Horney (1981)

مطلوبیت زن به علت ازدواج و  $U_h$  و  $V_h$  نیز به ترتیب افزایش و کاهش مطلوبیت مرد به خاطر ازدواج هستند.

زن و مرد برای تعیین میزان عرضه نیروی کار بهینه خود رابطه (۵) را نسبت به محدودیت (۶) حداکثر می‌نمایند.

$$PX + W_w I_w + W_h I_h = (W_w + W_h) T + Y_w + Y_h \quad (6)$$

بدین صورت بعد از تشکیل تابع لاگرانژ و احتساب مشتق آن، مقادیر بهینه عرضه کار مرد و زن را تعیین می‌نماییم:

$$L = [(U_w(X_w, L_w, L_h) - V_w(P, W_w, Y_w, E_w))] [(U_h(X_h, L_w, L_h) - V_h(P, W_h, Y_h, E_h))] + \lambda ((W_w + W_h) T + Y_w + Y_h - PX - W_w I_w - W_h I_h)$$

$$\frac{\partial L}{\partial L_w} = 0 \rightarrow L_w = T - I_w(P, W_w, W_h, Y_w, Y_h, E_w, E_h) \quad (7)$$

$$\frac{\partial L}{\partial L_h} = 0 \rightarrow L_h = T - I_h(P, W_h, W_w, Y_h, Y_w, E_w, E_h) \quad (8)$$

بنابراین مطابق با روابط (۷) و (۸) مقادیر بهینه کار زن و مرد تابعی از دستمزد خود و همسرشان، سایر درآمدهای هر دو و میزان مخارج آن‌ها است.

نکته قابل توجه این است که در زندگی‌های سنتی ابتدا مرد عرضه نیروی کار خود را تعیین می‌کند و بعد زن با توجه به نوع شغل و درآمد شوهرش عرضه کار خود و نوع شغلش را تعیین می‌نماید. بنابراین ابتدا مرد با فرض اینکه همسرش کار نمی‌کند و درآمدی نیز ندارد عرضه بهینه نیروی کار خود را تعیین می‌نماید که بدین منظور تابع مطلوبیت خود (رابطه (۹)) را نسبت به قید (۱۰) ماکزیموم می‌کند.

$$\text{Max } U(X_w, X_h, I_w = T, I_h) \quad (9)$$

$$\text{S.t. } P(X_h + X_w) = W_h(T - I_h) + Y_h \quad (10)$$

بدین صورت مرد میزان بهینه عرضه نیروی کار خود را تعیین می‌کند. زن نیز ابتدا عرضه کار همسرش را نگاه می‌کند و بعد با توجه به میزان ثابت  $L_h(W_h, Y_h)$ ، رابطه (۱۱) را نسبت به قید (۱۲) ماکزیموم ساخته و میزان عرضه بهینه نیروی کار خود را تعیین می‌نماید.

$$\text{Max } U(X_w, X_h, I_w, I_h = T - L_h(W_h, Y_h)) \quad (11)$$

$$\text{S.t. } P(X_h + X_w) = W_h L_h(W_h, Y_h) + W_w(T - I_w) + Y_h + Y_w \quad (12)$$

پس میزان کار زن تابعی از میزان عرضه کار همسرش است.

## ارائه مدل

در این مقاله با توجه به روابط (۷) و (۸) که در قسمت چارچوب تئوری مطرح شده است، برای انجام کار تجربی و بررسی تمامی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در نمونه مورد بررسی رابطه (۱۳) را معرفی می‌نماییم:

$$E_{iww} = \alpha + \beta_1 H_{ih} + \beta_2 Age_{iww} + \beta_3 Edu_{ih} + \beta_4 Edu_{iww} + \beta_5 Ch_i + \beta_6 Y_{ih} \quad (13)$$

در رابطه (۱۳)،  $i$  نشان‌دهنده خانواده نام است.  $E_{iww}$  نشان‌دهنده اشتغال زن،  $H_{ih}$  تحت پوشش بیمه شوهر بودن زن در خانواده نام،  $Age_{iww}$  سن زن در خانواده نام،  $Edu_{ih}$  میزان تحصیلات شوهر،  $Edu_{iww}$  میزان تحصیلات زن و  $Ch_i$  تعداد فرزندان در خانواده نام می‌باشد در این رابطه متغیر  $Y_{ih}$  نیز بیانگر درآمد شوهر در خانواده نام است.

بدین صورت می‌توان استدلال نمود که اگر درآمد مرد برای زندگی کافی باشد، تمایل زن برای کار کردن خارج از منزل کمتر است پس رابطه منفی بین درآمد شوهر و اشتغال زن وجود دارد. اگر مرد به واسطه شغلش تحت پوشش بیمه درمانی باشد و خانواده خود را نیز بیمه کند، زن بدون اینکه کار کند تحت پوشش بیمه درمانی قرار می‌گیرد. از طرفی وقتی مرد تحت پوشش بیمه درمانی باشد انگیزه بیشتری برای بیشتر کار کردن پیدا می‌کند. بنابراین به نوعی درآمد بیشتری نیز کسب می‌کند پس این متغیر از دو راستا بر کاهش تمایل به کار در بیرون از منزل مؤثر می‌باشد. هر چه سن زن بیشتر باشد قاعدتاً تمایل کمتری به کار در بیرون از منزل دارد. تحصیلات زن بالاتر باشد چون زمان و انرژی زیادی برای تحصیل صرف کرده است تمایل دارد به گونه‌ای از علم خود استفاده نماید. بنابراین تحصیلات زن با اشتغال وی در بیرون از منزل ارتباط مثبت خواهد داشت. هرچه تحصیلات مرد بیشتر باشد قاعدتاً وی از شغل بهتر و درآمد بالاتر نیز برخوردار است، بنابراین به علت داشتن درآمد کافی برای زندگی زن تمایل کمتری برای اشتغال بیرون از منزل دارد. هرچه تعداد فرزندان یک خانواده بیشتر باشد و هرچه این فرزندان کوچکتر باشند بیشتر به مراقبت مادرشان احتیاج دارند. بنابراین داشتن فرزند کوچک روی تمایل به کار زنان به خصوص زمانی که کودک در سنین خردسالی است، اثر منفی دارد.

## داده‌ها و نتایج تجربی

در این مقاله جهت انجام مطالعه تجربی تمایل به کار همسران مردانی که کارمند ادارات دولتی در شهر تهران هستند، به طور تصادفی به نمونه‌گیری پرداختیم که بدین منظور ۵۰۰ پرسشنامه را در سال ۱۳۸۸ میان کارمندان مرد متأهل ادارات دولتی شهر تهران توزیع کردیم و از آن‌ها خواستیم این پرسشنامه‌ها را به همسران خود دهند تا تکمیل نمایند. بعد پرسشنامه‌ها را

جمع‌آوری نموده و داده‌های مورد نظر خود را استخراج نمودیم. لازم به ذکر است که در این مطالعه منظور از کارمندان فقط کارمندانی است که کارهای اداری را انجام می‌دهند و به بیان دیگر دارای پست اداری (مثل مدیریت یا معاونت) نیستند و فقط افرادی (همسر مردانی) که به صورت تمام‌وقت کار می‌کنند مد نظر قرار گرفته شد.

در جداول (۱)، (۲)، (۳) و (۴) به بررسی مشخصات نمونه مورد بررسی پرداخته شده است. مطابق این جداول، در نمونه ۵۰۰ تایی تصادفی (زنان) ۱۹۴ نفر مربوط به فاصله سنی ۳۰-۴۰ سال بوده، بیشتر افراد نمونه دارای تحصیلات دیپلم و همسرانشان تحت پوشش بیمه خدمات درمانی هستند و ۱۸۳ نفر از آن‌ها دارای شغل نیمه‌وقت، ۱۶۶ نفر دارای شغل تمام‌وقت و ۱۵۱ نفر خانه‌دار می‌باشند.

جدول ۱- بررسی فاصله سنی در نمونه مورد بررسی

سن	کمترین	بیشترین	میانگین	۲۰-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	۵۱-۶۰
سن	۱۹	۵۹	۳۷/۱	۱۸۲	۱۹۴	۸۳	۴۱

جدول ۲- بررسی سطح تحصیلات در نمونه مورد بررسی

تحصیلات	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
تعداد	۲۷۰	۱۳۰	۷۸	۲۲

جدول ۳- بررسی نوع بیمه افراد در نمونه مورد بررسی

نوع بیمه درمانی	خدمات درمانی	تأمین اجتماعی	تحت پوشش هیچ نوع بیمه
تعداد	۲۷۳	۱۷۹	۴۸

جدول ۴- بررسی نوع شغل افراد در نمونه مورد بررسی

نوع مشاغل	مشاغل تمام‌وقت	مشاغل نیمه‌وقت	خانه‌دار
تعداد	۱۸۳	۱۶۶	۱۵۱

در این بررسی  $E_{ijw}$  متغیر وابسته است که اگر زن شغل تمام‌وقت داشته باشد، ۱ و در غیر این صورت صفر است. (اگر شغل نیمه‌وقت هم داشته باشد صفر در نظر گرفته شد). در اینجا منظور از شغل تمام‌وقت، ۴۰ ساعت کار خارج از منزل در هفته می‌باشد. متغیر مجازی  $H_{ij}$  در صورتی که زن

تحت پوشش بیمه درمانی شوهرش باشد، ۱ و در غیر این صورت صفر است. منظور از بیمه در این مقاله بیمه خدمات درمانی و بیمه تأمین اجتماعی می باشد که شوهر به واسطه شغلی که دارد از جانب کارفرمایش خود و خانواده اش را بیمه می کند. متغیر  $Age_{iw}$  بیانگر سن زن می باشد. متغیر  $Edu_{ih}$  در صورتی که مرد تحصیلات بالاتر از فوق دیپلم داشته باشد ۱ و در صورتی که زیر فوق دیپلم یا فوق دیپلم داشته باشد صفر است. زیرا از آنجا که بررسی ما در مورد کارمندان ادارات دولتی است، لذا معمولاً کارمندان باید از حداقل تحصیلاتی برخوردار باشند برای همین معیار را فوق دیپلم، بالاتر و پایین تر از آن در نظر گرفتیم. متغیر  $Edu_{iw}$  در صورتی که زن دارای تحصیلات دانشگاهی بالاتر از فوق دیپلم باشد ۱ و اگر دارای فوق دیپلم و پایین تر باشد صفر است. متغیر  $Ch_i$  نشان دهنده تعداد فرزندان زیر سه سال در خانواده است زیرا معمولاً کودکان در سنین زیر سه سال بیشتر به مراقبت های مادر احتیاج دارند. در صورتی که در یک خانواده تعداد فرزندان زیر سه سال بیشتر باشد، قاعدتاً به توجه و مراقبت بیشتری از جانب مادر نیاز خواهند داشت.

$Y_{ih}$  درآمد ماهانه شوهر است. در اینجا جهت سادگی برازش اعداد درآمد ماهانه (دریافتی) مرد با واحد هزار تومان وارد مدل گردیده است. نتایج برازش رابطه (۱۳) که به وسیله روش لاجیت<sup>۱</sup> با استفاده از داده های تحقیق صورت گرفته است، در جدول (۵) ذکر می گردد.

جدول ۵- نتایج ناشی از برازش رابطه (۱۳) برای اشتغال زنان در مشاغل تمام وقت

متغیر	(آماره z-static)* ضریب	انحراف استاندارد ضرایب (Std.Error)
$\alpha$	۱/۶۸۹ (۱/۹۲)	۰/۲۲۵
$H_{ih}$	- ۰/۳۲۵ (۲/۰۳)	۰/۲۰۱
$Age_{iw}$	- ۲/۱۷۶ (۱/۹۸)	۰/۲۱۲
$Edu_{ih}$	- ۰/۵۳۷ (۲/۰۱)	۰/۲۰۵
$Edu_{iw}$	۱/۰۸۵ (۲/۱۷)	۰/۲۰۳
$Ch_i$	- ۰/۶۴۲ (۲/۰۰)	۰/۲۱۴
$Y_{ih}$	- ۱/۹۱۷ (۲/۰۶)	۰/۲۱۷

۱. این روش ML-Binary Logit می باشد و با استفاده از نرم افزار Eviews برازش صورت گرفته است.  
\* مقادیر داخل پرانتز نشان دهنده آماره z-static می باشد که سطح معناداری این آماره ۱/۹۸ می باشد بدین صورت اگر آماره z-static ضریب برازش شده از این سطح معناداری بالاتر باشد فرضیه  $H_0$  مبنی بر معنادار نبودن ضریب رد می گردد و ضریب برازش شده معنادار است.

همانطور که در جدول (۵) نشان داده شده است، متغیر  $H_{ih}$  دارای علامت منفی است، پس وقتی همسر زن به واسطه کارش خانواده خود را بیمه درمانی کند، روی تمایل به کار زن تأثیر منفی دارد. ضریب برازش شده متغیر  $Age_{iw}$  منفی است لذا هرچه سن زن بالاتر باشد تمایل کمتری به کار در خارج از منزل دارد. در مورد متغیر  $Edu_{ih}$ ، وقتی مرد دارای تحصیلات بالاتری است، قاعدتاً به شغل بهتر و با درآمد بالاتر اشتغال دارد. بدین سان همسر وی انگیزه کمتری برای کار در خارج از منزل دارد. البته کوچکی ضریب  $Edu_{ih}$  به خاطر این است که ما مطالعه خود را روی کارمندان ساده ادارات دولتی متمرکز کردیم. ضریب متغیر  $Edu_{iw}$  مثبت و معنی دار می‌باشد. لذا هرچه زن تحصیلات بالاتر داشته باشد تا حدودی به کارهای تمام‌وقت تمایل دارد. ضریب  $Ch_i$  منفی است. پس اگر تعداد فرزندان زیر سه سال خانواده بیشتر باشد زن تمایل کمتری به کار در بیرون از منزل خواهد داشت. از طرفی اگر درآمد ماهانه مرد زیاد باشد روی تمایل به کار زن در بیرون از منزل تأثیر منفی خواهد گذاشت. بررسی‌های صورت گرفته در بالا مربوط به اشتغال زنان در مشاغل تمام‌وقت و عوامل مؤثر بر آن است. در این قسمت یکبار دیگر رابطه (۱۳) را با توجه به اشتغال زنان در شغل‌های نیمه‌وقت برازش می‌کنیم. منظور از مشاغل نیمه‌وقت، ۲۰ ساعت کار خارج از منزل در هفته می‌باشد. پس در این حالت متغیر  $E_{iw}$ ، اگر زن به صورت نیمه‌وقت خارج از منزل کار کند، یک و در غیر این صورت صفر است. (در این بررسی حتی اگر زن به صورت تمام وقت در بیرون از منزل کار کند نیز این متغیر صفر در نظر گرفته شده است). نتایج حاصل از برازش رابطه (۱۳) با توجه به فرض بالا با استفاده از روش لاجیت در جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول ۶- نتایج حاصل از برازش رابطه (۱۳) برای اشتغال زنان در مشاغل نیمه‌وقت

متغیر	(آماره z-static)* ضریب	انحراف استاندارد ضرایب (Std.Error)
$\alpha$	۲/۰۸ (۱/۸۹)	۰/۲۱۲
$H_{ih}$	- ۰/۲۱۵ (۲/۰۲)	۰/۲۰۱
$Age_{iw}$	- ۰/۹۳۴ (۲/۰۷)	۰/۲۲۷
$Edu_{ih}$	- ۰/۳۴۶ (۱/۹۹)	۰/۲۰۸
$Edu_{iw}$	۲/۳۷۱ (۲/۱۰)	۰/۲۲۳
$Ch_i$	- ۰/۵۱۱ (۲/۱۳)	۰/۲۰۵
$Y_{ih}$	- ۰/۸۶۲ (۲/۰۵)	۰/۲۲۰

\* مقادیر داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره z-static می‌باشد که سطح معناداری این آماره ۱/۹۸ می‌باشد بدین صورت اگر آماره z-static ضریب برازش شده از این سطح معناداری بالاتر باشد فرضیه  $H_0$  مبنی بر معنادار نبودن ضریب رد می‌گردد و ضریب برازش شده معنادار است.

همانطور که در جدول (۶) نشان داده شده است، در این حالت نیز تمامی ضرایب دارای علائمی مثل حالت قبل هستند ولی قدر مطلق ضرایب برازش شده در این حالت در مقایسه با حالت قبل کمتر است (به غیر از متغیر  $Edu_{iw}$  که در این حالت دارای ضریب مثبت بزرگتری می‌باشد). که نشان‌دهنده تأثیرگذاری کمتر متغیرهای مذکور بر اشتغال پاره‌وقت زنان است. لذا وقتی شوهر به واسطه شغلی که دارد همسر خود را بیمه کند، روی تمایل به کار زن تأثیر منفی دارد ولی میزان این تأثیر در حالتی که زن شغل پاره‌وقت داشته باشد کمتر است. از طرفی هرچه سن زن بالاتر باشد تمایل زن برای کار کردن در خارج از منزل کمتر می‌شود ولی در مورد شغل‌های نیمه‌وقت میزان تأثیرگذاری آن کمتر است. هرچه تحصیلات شوهر بالاتر باشد، این متغیر بر کاهش تمایل زن به کار کردن در مشاغل نیمه‌وقت کمتر مؤثر است. از طرفی هرچه تحصیلات زن بالاتر باشد تمایل بیشتر به انجام مشاغل نیمه‌وقت نشان می‌دهد چون علاوه بر استفاده از تحصیلات خود، زندگی خانوادگی خود را نیز حفظ می‌نماید.

با مقایسه نتایج این دو جدول می‌توان نتیجه‌گیری نمود که زنان با وجود تمام موانعی که در راستای کار کردن آن‌ها در خارج از منزل وجود دارد، به اشتغال در مشاغل نیمه‌وقت در مقابل مشاغل تمام‌وقت تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی رفتار زنان در بازار کار پرداخته شد و عوامل مؤثر بر اشتغال آنان مورد بررسی قرار گرفت. لذا جهت بررسی تجربی ۵۰۰ پرسشنامه در سال ۱۳۸۸ میان زنانی که همسران آن‌ها کارمندان ادارات دولتی در شهر تهران بودند توزیع گردید. سپس یکبار بررسی برای زنان شاغل در مشاغل نیمه‌وقت و بار دیگر برای زنان شاغل در مشاغل تمام‌وقت انجام گردید و تأثیر عواملی مثل تحت پوشش بیمه درمانی همسر بودن، تحصیلات زن، تحصیلات شوهر، سن زن، درآمد ماهانه شوهر و تعداد فرزندان خانواده بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام‌وقت و نیمه‌وقت بررسی شد. نتایج نشان داد که تحصیلات شوهر، سن زن، درآمد ماهانه شوهر، تعداد فرزندان و تحت پوشش بیمه درمانی شوهر بودن بر اشتغال زنان در مشاغل تمام‌وقت و نیمه‌وقت اثر منفی و تحصیلات زنان بر اشتغال آنان در مشاغل تمام‌وقت و نیمه‌وقت اثر مثبت دارد. همانطور که نشان داده شد ضرایب این متغیرها در مشاغل تمام‌وقت و نیمه‌وقت دارای علامت یکسان بودند و اثرگذاری عوامل مذکور بر اشتغال نیمه‌وقت زنان کمتر بود. (به جز ضریب مثبت متغیر  $Edu_{iw}$  که در این حالت بزرگتر از حالت قبل برازش گردید). پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اشتغال زنان و نوع شغل آن‌ها تقریباً متأثر از نوع شغل و

درآمد همسرشان می‌باشد که این اثرپذیری در مورد مشاغل تمام‌وقت بیشتر از مشاغل نیمه‌وقت است. در انتها ذکر این نکته ضروری است که تمرکز این مقاله بیشتر بر عوامل اقتصادی و تأثیر آن‌ها بر نوع اشتغال زنان و تمایل به کار آنان بود.

### منابع

- صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۳) «تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان»، مجله پژوهش زنان، ۲(۱)، صص ۲۲-۵.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵)، «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، مجله نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱(۱)، صص ۴۲-۲۰.
- هرندی، فاطمه و جمشیدی، فرشید (۱۳۸۷)، «چگونگی اثرپذیری احتمال اشتغال زنان متأهل نقاط شهری و روستایی از ویژگی‌های فردی و خانوادگی»، مجله دانش و توسعه، ۱۵(۲۳)، صص ۲۰۵-۱۹۱.
- Buchmueller, T.C., and Valletta R.G. (1998). "The Effect of Health Insurance on Married Female Labor Supply". *Journal of Human Resources*, 34(1): 42-71.
- Coen-Pirani D., Leon A., and Lugauer S., (2009). "The Effect of Household Appliances on Female Labor Force Participation: Evidence from Micro Data". *Journal of Labor Economics*, 17(3): 503-513.
- Currie, J., Madrian, B., 1999. "Health, Health Insurance and the Labor Market" in D. Card and O. Ashenfelter (eds), *Handbook of Labor Economics* (Vol. 3C). pp: 3309-3407.
- Evans M.D.R., Kelley J. (2008). "Trends in women's labor force participation in Australia: 1984-2002," *Social Science Research*, 37(1): 287-310.
- Hazan M. Maoz Y, (2002) "Women's Labor Force Participation and the Dynamics of Tradition," *Economics Letters*, 75(2): 193-198.
- Lee B., Jang S., and Sarkar J. (2008). "Women's labor force participation and marriage: The case of Korea," *Journal of Asian Economics*, 19(2): 138-154.
- Maddala G.S. (1999) *Limited- Dependent and Qualitative Variable in Econometrics*, Cambridge University Press.
- Mare R.D, (1991). "Five Decades of Educational Assortative Mating". *American Sociological Review*, 56(1): 15-32.
- McElroy, M.B. and Horney M.J., (1981). "Nash-Bargained Household Decisions: Toward a Generalization of the Theory of Consumer Demand". *International Economic Review*, 22(2): 333-349.
- McElroy, M. (1990). "The Empirical Content of Nash Bargained Household Behavior," *The Journal of Human Resources*, 25(4): 559-583.

- Olson C.A., (1998). "A Comparison of Parametric and Semi-Parametric Estimates of the Effect of Spousal Health Insurance Coverage on Weekly Hours Worked by Wives," *Journal of Applied Econometrics*, 13(5): 543-565.
- Pencavel J. (1998). "Assortative Mating by Schooling and the Work Behavior of Wives and Husbands," *American Economic Review*, 88(2): 326-329.
- Schone B, and Vistnes J. (2001), "The relationship Between Health Insurance and Labor Force Decisions: An Analysis of Married Women", Agency for Healthcare Research and Human Services, Working Paper.
- Wellington, A. and Cobb-Clark D. (2000), "The Labor-Supply Effects of Universal Health Coverage: What Can We Learn From Individuals with Spousal Coverage". In S. Polachek (Ed.), *Research in Labor Economics*, 19: 315-344.